اضافه‌ی موصوف به صفت و جمع بودن «نظر»

شاگرد ۲: خود «نَظَر» جمع نیست؟

استاد: اسم جمع است. «نَظَرة» مفرد آن است و «النَظَر و الانظار» جمع آن می‌شود. علی أیّ حال، ما در اینجا نیاز به جمع داریم. معلوم باشد. یعنی اصل عبارت این است که امیرالمؤمنین علیه السلام با افصح و ابلغ روش‌های فصاحت و بلاغت، دو مضاف را صفت قرار داده‌اند. اصل جمله به این صورت بوده است: «و علی النظر السابحة الغواصة»؛ فکرهایی که شناگر است و دل به دریا می‌زند. «ساب‌ح» نه یعنی فقط شناگر است. بلکه «السابحة الغائصة»؛ شناگری است که غوص می‌کند؛ در عمق دریا فرو می‌رود. دو صفت به یک موصوف اضافه شده است. صفت اول به صفت دوم، صفت دوم به موصوف. وقتی برمی‌گردد اول موصوف می‌شود، بعد صفت دوم می‌شود و بعد صفت اول. توضیح اینها عرض شد.

شاگرد: ای صفت اول و بعد صفت دوم. تفاوتی ندارند.

استاد: دارد. ترتیب باید محفوظ باشد. انسان اول شناگر می‌شود و بعد شناگر غائص. اگر بگویی «ساباحات غوائص» درست نمی‌شود. شناگرهای غوائص، خیر. غوائص ساباحات. بین آن‌ها ترتیب است.

شاگرد: اول شباهت است و بعد حکم.

استاد: در ترتیب‌های معمولی موصوف را که می‌گویی، درست است. می‌گویی: «النظر السابحة الغائصة». چرا «غائصة» را بعد از «سابحة» می‌آوری؟ اما وقتی می‌خواهی از حیث فصاحت روی آن وصف آکد، آن را محور قرار بدهی، اول «ساباحات» را نمی‌گویی. اول صفت دوم را می‌آوری که وقتی اضافه می‌کنی، اول می‌شود. پس «غوائص» صفت دوم بود. در عبارت وقتی اضافه شد، اول آمده است. بعد صفت اول برای موصوف شده است. فعلاً در اضافه در صفت دوم است و بعد هم خود موصوف آمده است.

شاگرد: در لغت جمع «نظر»، ظاهراً همان «انظار» است. فقط گاهی مصدر است و گاهی غیر مصدر. اگر مفرد مصدر باشد چون دلالت بر جنس می‌کند، تعبیر «ساباحات نظر» درست می‌شود. چون مصدر و جنسیت آن فکر و اندیشه را در نظر گرفته است. مثلاً اگر به جای «نظر»، کتاب بود، نمی‌شد.

استاد: بله.

شاگرد: موی‌دی برای «فِطر» می‌شود.

استاد: بله؛ این علامت سؤالی است برای اینکه «فِطَر» باشد. ولو از حیث معنا آن را داشت. این مؤید لفظی است که از نظر لفظی باید جمع باشد. آن مؤید معنوی بود. ان شاء اللّٰه فکر

بیشتری میکنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 12:54:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 12:56:22 توسط ... .